

البته معیار قرار دادن موافقت با کتاب و سنت (و اعتبار داشتن یک یا چند شاهد قرآنی بر وفاق) این پرسش را پیش می‌کشد که پس چه لزومی دارد به روایت اخذ شود بلکه به همان قرآن اخذ می‌شود؟!

البته این اشکال - همان طور که در آغاز بیان نقد سوم اشاره کردیم - بر تلقی مشهور از این روایات (که پدیده‌ای غیر از تلقی اخیر بود) وارد است و الا این اشکال بر تلقی اخیر وارد نیست.

نقد پنجم

نقد دیگری که بر رفتارهای گذشته - به ویژه بر رفتار اخیر - وارد است، این است که مطابق اندیشه رایج در اصول فقه، مخاطبانِ نصوص دینی عموم مردم هستند، قهراً این اندیشه در مورد روایات عرضه و طرح هم جاری است؛ در حالی که تشخیص مخالف و موافق قرآن از توان عموم مردم خارج است! به ویژه اگر متعلق موافقت و مخالفت، روح عام قرآن، مزاج عام شریعت و پدیده‌هایی از این قبیل باشد! کشف این امور در توان برخی خواص نیست تا چه رسد به عوام! البته این اشکال تنها بر رفتار اخیر وارد نیست، بر رفتارهای گذشته هم وارد است! مثلاً امام - علیه السلام - به مردمی که به دو نص متعارض برخورد کرده‌اند، فرموده باشند، بر قرآن عرضه شوند، هر کدام نسبتش با قرآن به تباین بود از حجیت می‌افتد و دیگری که با قرآن نسبت وفاق دارد، مقبول می‌افتد و اگر نسبت یکی به قرآن به توافق بود و دیگری به عام و خاص من وجه، روایت موافق مقبول است لکن آن دیگری از حجیت ساقط نیست! به راستی آیا این انتظارات از توده مردم، موجه است؟!

البته برخی به محض شنیدن این اشکال، خواهند گفت: که مخاطب امام - علیه السلام - در این نصوص عرف عام نیست، بلکه فقط مجتهدان و خواص اُمّتند.

این سخن قابل توجیه است لکن آیا مورد التزام اصولی‌ها هم است؟ واضح است که به حسب صناعت و قاعده مورد قبول اصولی‌ها، جواب منفی است، هر چند ما این نفی را موجه نمی‌دانیم و مخاطب این نصوص را کسانی می‌دانیم که از عهده کار - هر چند با دقت و تامل - بر می‌آیند. و بالطبع وابسته به برداشتی که ما از این ادله داریم (برداشت اخیر یا غیر آن) گستره مخاطب متفاوت خواهد بود.

البته ما این سخن را نسبت به مخاطبان دیگر نصوص دینی هم داریم و در مجالات مناسب به تفصیل توضیح داده‌ایم.

واضح است که ملاحظات وارد بر رفتارهای گذشته منحصر به این موارد نیست، لکن در مجال حاضر به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

بیان رأی مختار در اطراف روایات عرضه و طرح

1. لزوم ملاحظه تاریخ و ظرفیت‌های صدور ادله

بدون تردید رسیدن به گزینه صحیح در این گفتگو متوقف بر اموری است، از جمله آن‌ها ملاحظه تاریخ و شناخت ظروف حاکم بر صدور این روایات است؛ چه ظرفیت‌هایی که موجود بوده (به اعتبار روایاتی که از ائمه - علیهم السلام - به ویژه از امام باقر - علیه السلام - به بعد صادر شده است) و چه ظرفیت‌هایی که قابل پیش بینی بوده است (به اعتبار روایتی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) صادر شده و قبلاً آن را نقل کردیم).

از این رو باید اوضاع حاکم بر حوزه‌های تفهیم و تفهم، نقل و جعل احادیث و اموری از این قبیل را مفسر این ادله قرار داد. با این ملاحظه است که برداشت فهمنده نص از این ادله صحیح شکل می‌گیرد.

2. لزوم ملاحظه سایر اصول و راهبردهای قطعی منسوب به شارع در فهم این ادله

بدون تردید اخبار عرضه و طرح (چه بخشی که عرضه بر قرآن را در وقت ترجیح مطرح می‌کند و چه بخشی که عرضه را به عنوان گسست حجت از لا حجت مطرح می‌کند) باید با سایر اصول و راهبردهای منسوب به شارع مقایسه و فهم کرد. این مقارنه و ترابط، مفسر امین نصوص مورد بحث خواهد بود و الا فهمی یک طرفه و ناصحیح شکل می‌گیرد.

مثلاً نباید نقش وسیع ائمه - علیهم السلام - در تفسیر آیات قرآن را نادیده گرفت؛ چنان که نباید نقش ایشان را در تخصیص و تقیید آیات فراموش کرد. این امور از مسلماتی است که در تفسیر صحیح اخبار عرضه و طرح باید اصل باشد نه این که اخبار عرضه و طرح را اصل و این اصول و راهبردها را در معرض شک و تردید قرار دهیم.

3. تفسیر بیشتر ظرفیت‌های حاکم

هر کس آشنا با مکان و زمان صدور این روایات باشد می‌داند که جعل حدیث، نقل ناصحیح در زمان پیامبر - صلی الله علیه و آله - قابل پیش‌بینی بود و در زمان ائمه - علیهم السلام - رخ داده بود. احادیث مجعول گاه به گونه‌هایی مختلف با تراث اصیل اسلام (= قرآن و سنت معتبر) مخالف بود. حتی مواردی که مخالفتش به تباین بود. به عنوان مثال وقتی روایاتی در لزوم اطاعت مطلق از - به اصطلاح - اولوالامر مطرح می‌شود، هر چند این شخص فاسق و فاسد باشد، به راحتی می‌توان آن را مخالف قرآن به تباین قلمداد کرد. واضح است که استعدادهای فرهنگی ناموجه گاه کمک می‌کرد تا جاعلان این گونه احادیث رسوا نشوند. بر این اساس نباید مخالفت را - الزاماً - در غیر تباین فرض کرد یا پای مخالفت به روح و مذاق قرآنی و نظام شرعی و مقاصد را به میان کشید تا امکان جعل مخالف به نحو تباین قابل تصور باشد! (رد برخی از کلمات گذشته)